

در باره سود و زبان سنجیده یا ناسنجیده « سخن گفتن » و تأثیر نیک و بد و ارزش و درجه اعتبار « گفته ها » سخن فراوان گفته شده ولی تا آنجا که ما بخاطر داریم در باره ارزش و مقام و موقعیت « سکوت » و آثار حقوقی آن در زبان فارسی کمتر بحث شده است و شاید در این زمینه نوشته خاصی دیده نشده باشد. بهرحال و با هر تقدیر بر آن شدیم که این مسئله را موضوع بحث و بررسی قرار دهیم و این کار را آقای علی اردلانی بهمه گرفتند و با توجه به نبودن سابقه ای در این زمینه (یا همانطور که گفتیم بگمان ما چنین بحثی در نوشته های حقوقی فارسی بمیان نیامده است) و با در نظر گرفتن این واقعیت که بررسی هر مسئله برای اولین بار مشکل تر است، تنبغ فاضلانۀ ایشان شایان تقدیر است.

از : علی اردلانی

آیا سکوت علامت رضاست ؟

مقدمه : در گفتگوهای روزانه می شنوید که میگویند « سکوت علامت رضاست ».

مادر این گفتار بررسی خواهیم کرد که این سخن بر چه پایه استوار است و چه اندازه درست است. شواهدی از سخنان بزرگان ادب میآوریم تا تعریف ادبی سکوت را دریابیم. تعبیر قضائی آن را مطالعه می کنیم، قوانین مدنی و جزائی ایران را در این زمینه مورد توجه قرار می دهیم و از قوانین کشورهای خارجی نیز مثالهایی متناسب با مورد خواهیم آورد.

تعریف سکوت : لغت نامه زبانهای فارسی - عربی - فرانسه - وانگلیسی - گاهی تنها بمعنی کردن کلمه « سکوت » اکتفا کرده اند و برخی بعلمت بدهات، متذکر شرح آن نشده اند و در ترتیب حروف تهجی در این مورد سخن کوتاه کرده اند (۱).

لیکن تمییرات دلنشین و لطیف فراوان از زبان شرعای پارسی گوی (۲) و سخنوران کشورهای خارجه در باره سکوت شده است که با همه زیبایی شاعرانه، تعریف سکوت

۱- فرهنگ فرانسه بفارسی (نفیسی) صفحه ۸۱۷

Dictionnaire, Persan, Francais, Par, Le Baro -

Nouveau Dictionnaire Pratique De droit, - جلد پنجم و چهارم

Dalloz Encyclopedie .

Petite Dictionnaire de droit Dalloz-

- لاروس صفحه ۱۵۹۶ - المنجد صفحه ۳۵۳

- فرهنگ يك جلدی انگلیسی فارسی (حیم) صفحه ۱۲۲۴

بوقت مصلحت آن به که در سخن کوشی
بوقت گفتن، گفتن بوقت « خاموشی »
(سعدی)

دل پر از گفتگوی و لب «خاموش»
(هاتف)

ورنه جان را فرامشی بهتر
(سنائی)

کیز تو شد مجنون گرفتار و غوی
گفت «خاموش» چون تو مجنون نیستی

(مولوی)

زشت مگو نوبت «خاموشیت»
(نظامی)

۲- اگر چه پیش خردمند «خاموشی» ادبست
دو چیز طیره عقل است، دم فرو بستن

- سینه بی کینه و درون صافی

- نطق زیبا ز «خاموشی» بهتر

- گفت لیلی را خلیفه کاین تویی
از دگر خوبان، تو افزون نیستی

- بد مشنو وقت گرانکوشیست

و موارد بیان آن را در بردارند. آنچه از سخنان بزرگان ادب درك میشود اینستکه برای سکوت، تعریف «**عدمی**» کرده اند یا عبارت دیگر، سکوت را «**عدم نطق**» معنی کرده اند و «**دم فرو بستن بوقت گفتن**» و اینگونه امور را خامشی دانسته اند.

سخنرایان غرب (۱) نیز مضامینی ساخته اند که در آنها «سکوت» گاهی بدم نطق و زمانی بآرامش اطلاق شده است. از آنچه نوشتیم چنین فهمیده میشود که تعریف «**وجودی**» برای سکوت میسر نیست لذا بتعریف عدمی آن مبادرت می کنیم و عدم «**نطق**» و عدم «**اظهار**» را برای این معنی می پسندیم.

«سکوت» از نظر حقوقی :

باتوجه باینکه الفاظ و عباراتی که در روابط حقوقی افراد مورد استفا ده قرار میگیرند ناگزیر دارای معانی عرفی و ادبی هستند (۲) از اینرو سکوت در معنای حقوقی نیز در مواردی مصداق دارد که برای نشان دادن قصد چیزی اعم از آنکه لفظ یا اشاره یا عمل باشد ضرورت یابد و شخص چنان لفظ یا اشاره ای را افاده نکند و یا عمل خاص را انجام ندهد یا بتبیین دیگر سکوت از نظر مفهوم قضائی عبارت از حالتی است که شخص در جریان فعالیت مداوم زندگی اراده خود را بوسیله یک عمل قضائی یا امری که دارای آن اثر باشد یا وسیله ای که مبین اراده اش باشد اظهار نکند (صفحه ۲۲۹ جلد اول تعهدات از نظر کلی رهنه موسی - استاد دانشکده حقوق دانشگاه پاریس) .

- ۱- مردم خاموش و افسرده از گذرگاه او کنار میرفتند (سال نهم هجرت - ویکتور هوگو صفحه ۱۲۷ سطر ۲) کتاب منتخبی از زیباترین شاهکارهای شعر جهان.
- وقتی که در خاموشی نیمه شب این پیام امید بگوش من میرسد نخست «سکوتی» آرامش بخش، آرامشی «**خاموش**» و دلپذیر بر سراپایم استیلا می یابد نغمه های «**خاموشی**» بگوش دلم میرسد (زندانی - امیلی برونته صفحه ۶۹ - سطر ۹) از همان کتاب .
- ستارگان «**خاموش**» و مبہوت در جای خود خیره و بیحرکت مانده بودند (سرود مذهبی میلتن صفحه ۹ سطر ۵) از همان کتاب.
- اما روح جاودانی من همچون دوستی وفادار بنزد تو خواهد آمد و در «**خاموشی**» شب، آهسته در گوشت خواهد گشت (بیاد بیاور - آلفرود و موسه صفحه ۱۴۶ سطر ۴) از همان کتاب.
- هر شب هنگامیکه دنیای خسته در خواب می رود و فرشته «**خاموشی**» بر جهان دامن می گستراند (خاطره لامارتین - صفحه ۱۱۷ سطر ۱۶) همان کتاب .
- نه ستاره ای بود - نه زمین - نه زمان - نه وقفه - نه حرکت - نه خوبی - نه بدی فقط وقف «**خاموشی**» بود . (زندانی شیلن صفحه ۳۷ سطر ۲۱) همان کتاب.
- ۲ - الفاظ عقود معمول است بر معنای عرفیه (ماده ۲۲۵ قانون مدنی ایران) .
- (الف) عقد محقق میشود بقصد انشاء بشرط مقرون بودن چیزی که دلالت بر قصد کند (ماده ۱۹۱ قانون مدنی ایران)
- (ب) در مواردی که برای طرفین یا یکی از آنها تلفظ ممکن نباشد اشاره که مبین قصد و رضا باشد کافی خواهد بود (ماده ۱۹۲ قانون مدنی ایران) .
- (ج) انشاء معامله ممکنست بوسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد (ماده ۱۹۳ قانون مدنی ایران) .
- (د) صفحه ۳۲۲ جلد چهارم شماره ۱ سکوت .

در مقاله‌ای : پروزی Perozzi با تعبیر ظریف و منطقی خواسته است چنین نتیجه بگیرد که : سکوت مظهر اراده و دارای آثار آن نیست یا عبارت عامیانه سکوت را ولو آنکه نماینده اراده ضمنی باشد به سخن نگفتن تعبیر کرده است . اومی نویسد در این جایک اشتباه وجود دارد زیرا موضوع عبارت از این نیست که بدانیم سکوت شخص در یک وضع خاص قضائی دارای ارزش و آثار اراده هست یا نه ؟ بلکه مسئله اینستکه چگونه یک عدم فعالیت (یک ترک فعل) اراده را کتمان میکند اگرچه مجالی برای چنین فرضی نیست لیکن در موارد خاص سکوت دارای مفهوم ویژه‌ای است در اینجا یک نظریه وجود دارد که سکوت را باراده تعبیر میکند من نیز این توجیه را پسندیده‌ام (صفحه ۴۰۰ جلد اول تعهدات رنه دموگ) .

با توجه باینکه قانونگذار برای تحقق هر معامله یکی از امور نامبرده را بر حسب مورد، الزامی دانسته است و از شرایط صحت معاملات بشمار آورده است این سؤال پیش می‌آید که آیا هیچگاه بر سکوت اثری مترتب نیست و قانون بر آن ارزشی ننهاده است ؟ بدیهی است مواردی که قانون آمره لفظ یا اشاره یا عملی را برای ایجاد تعهد یا تعهدی لازم می‌داند سکوت نمی‌تواند جانشین نطق شود . به بیان دیگر در زمانی که دو اراده باید صریحاً اظهار شوند مسئله سکوت مورد ندارد اما این حکم نسبت به اراده ضمنی یا چنانکه مؤلفین آلمان برای دوری از هر ابهامی آن را بعنوان اراده قیر صریح یا غیر مستقیم عنوان کرده‌اند جاری نیست (صفحه ۲۹۶ جلد اول تعهدات از نظر کلی) .

بعضی جاها قانون یک نوع اراده ضمنی (La volonté Tacite) را در مورد سکوت ملحوظ داشته است . زمانی نیز سکوت را بعنوان صرف نظر کردن و چشم پوشی یا اعراض کردن (Renonciation) مورد بحث قرار داده است و گاهی آن را قبول ، تنفیذ ، رضایت - (Ratification , Acquiescement , Acceptation) منظور کرده است و بالاخره بعنوان امتناع (Refuse) شناخته است .

در مواردیکه حکم قانون یک تظاهر لفظی یا عملی را ایجاب می‌کند مسئله‌ای مطرح میشود که آیا میتوان فرض اجبار و الزام قضائی « سخن گفتن » را عنوان کرد ؟ Covello متذکر این نکته شده است که هیچگاه الزامی برای سخن گفتن نمیتواند وجود داشته باشد و هرگز نمی‌تواند منتهی به ایجاد یک تکلیف اخلاقی یا الزام قانونی گردد ، ام از اینکه تکالیف و الزامات در برابر همه افراد یا در مقابل یک فرد معین باشد (صفحه ۳۰۲ تعهدات بطور کلی - رنه دموگ) . لیکن در قانون ایران برخلاف این نظریه گاهی شخص مجبور است سخن بگوید و اگر امتناع نماید و این امر موجب تضییع حقوق دیگران گردد ، مراجع صلاحیتدار شخص را با اتخاذ تصمیم الزام خواهند کرد . (۱) از آنچه گذشت این نتیجه گرفته می‌شود که قانون در همه جایک حکم اثباتی یا نفیّی نسبت بآثر سکوت نداده است و در موارد مختلف نظرهای گوناگون داشته است .

ما قبل از بحث و تفکیک موارد مختلف بطور اختصار « رضا » را نیز بررسی می‌کنیم .

۱ - ورثه موصی نمی‌تواند در موصی به ، تصرف کند مادام که موصی له رد یا قبول خود را بآنها اعلام نکرده است ، اگر تاخیر این اعلام موجب تضییع ورثه باشد حاکم ، موصی له را مجبور میکند که تصمیم خود را معین کند . (ماده ۸۳۳ قانون مدنی ایران) .

یکی از شرایط اساسی برای صحت معاملات، قصد طرفین رضای آنهاست یعنی بدون آنکه شخص قصد انعقاد عقد یا ایجاد تعهدی داشته باشد و قصد خود را که امری باطنی و درونی است و آگاهی از آن برای دیگران بدون یک تظاهر خارجی مانند لفظ، اشاره یا عمل میسر نیست، بوسیله‌ای نمایان سازد، هیچگونه تعهدی علیه او ایجاد نمی‌شود یا بهتر بگوییم هیچکس جز با رضای صریح خود «متعهد» نمی‌شود - اعم از آنکه بر حسب لزوم، «رضای» بوسیله لفظ و عبارت یا «فعل» چون نوشتن تجلی کند (صفحه ۳۴۲ جلد چهارم کتاب «Dalloz, Repertoire, De Legislation» باید متذکر شد لزومی ندارد که «رضای» مقارن با عقد باشد بلکه ممکن است موخر از آن نیز قرار گیرد چنانکه در معامله فضولی است. در صورتیکه «رضای» موخر از قصد انشاء قرار گیرد مانند آنستکه مقارن با قصد بوده است چه کسیکه رضایت بر امری که گذشته است میدهد موافقت خود را با وقوع آن امر که قبلاً پدیدایش یافته است اعلام میدارد. (صفحه ۳۶۱ جلد چهارم حقوق مدنی - دکتر سید حسن امامی). این نکته را ناگفته نگذاریم که در احکام تکلیفی حکم شارع و در قوانین امری اراده قانونگذار جانشین اراده طرفین است و آنچه حکم و امر کند همه افراد اجتماع ملزم بآن هستند و تخلف از آن در عقود موجب بطلان معامله است و در مواردی که نظر قانونگذار بر صراحت اراده طرفین بوسائل مقتضی از قبیل لفظ و اشاره و فعل است سکوت نه تنها دارای اثر مترتب بر «رضای» نیست بلکه موجب بطلان عقد نیز خواهد بود (۱).

با توجه بکلیات مذکور و مطالعه کامل و دقیق قانون مدنی ایران میتوان موضوع را تحت سه عنوان بررسی کرد :

«نوان اول: مواردی که سکوت بمنزله اعراض (Renonciation) شناخته شده است. دقت در مواد مربوط باین عنوان مدلل میدارد که يك فصل مشترك و

- ۱ - وقف واقع میشود با ایجاب از طرف واقف بهر لفظی که صراحتاً دلالت بر آن کند و قبول طبقه اول از موقوف علیهم (ماده ۵۶ قانون مدنی).
- الفاظ و اشارات و اعمال دیگر که متعادلین بوسیله آن انشاء معامله مینمایند باید موافق باشد بنحویکه احد طرفین همان عقدی را قبول کند که طرف دیگر قصد انشاء او را داشته است والا معامله باطل خواهد بود (ماده ۱۹۶ قانون مدنی).
- پس از توافق بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن عقد بیع با ایجاب و قبول واقع میشود ممکن است مبیع بداد و مستند نیز واقع گردد. (ماده ۳۳۹ قانون مدنی).
- در ایجاب و قبول الفاظ و عبارات باید صریح در معنی مبیع باشد. (ماده ۳۴۰ قانون مدنی)
- تحقق وکالت منوط بقبول وکیل است. (ماده ۶۵۷ قانون مدنی).
- وکالت ایجاباً و قبولاً بهر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن کند واقع میشود. (ماده ۶۵۸ قانون مدنی).
- نکاح واقع میشود با ایجاب و قبول بالفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج کند. (ماده ۱۰۶۳ قانون مدنی).
- طلاق باید بهینه طلاق و در حضور دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد. (ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی).

تشابه ماهوی در اینگونه موارد وجود دارد - وقتی برای شخصی حقی ایجاد شده است - اعم از آنکه آن حق نتیجه نامزدی - طلاق رجعی - و خیار فسخ در جاهائیکه برای زوجین چنین خیاری وجود دارد یا خیار تخلف از شرط برای زن یا شوهر بوجود میآید و شخص با علم بآن از حق خود استفاده نمی کند فرض قانون اینست که دارنده حق ، از آن اعراض کرده است (۱) (مواد ۱۱۴۸-۱۱۴۱-۱۱۴۸ قانون مدنی ایران) .

این حکم نه تنها در حق فسخ در موارد ذکر شده جاری است بلکه در مورد اخذ به شفعه و شروط ضمن عقد به بیان ماده ۲۳۵ قانون مدنی و بالاخره تمام خیارات خواه ناشی از عقد بیع باشد مانند مواد ۴۲۰-۴۳۰-۴۴۰-۴۴۷-۳۹۷-۳۹۸ یا ماده ۴۹۲ در مورد اجاره ساری و متمم است . قانون در کلیه موارد بالا سکوت را قریب‌نهای برای اعراض تلقی کرده است قانون مدنی فرانسه نیز در مواد ۱۴۶۳ و ۱۴۴۲ و ۱۴۵۳ و ۱۵۱۸ در مورد طلاق و تفریق ابدان سکوت را بمنزله اعراض دانسته است ولی این اماره یک اماره تفسیر ناپذیر نیست . (صفحه ۳۰۴ جلد اول تعهدات بطور کلی رنه دوم) .

عنوان دوم : در مواردی که « سکوت » بعنوان امتناع (Refuse)

شناخته شده است . آنچه میتوان در این زمینه گفت اینست که گاه قانون « اراده صریح » را شرط اساسی انعقاد عقود قرار داده است و باین نحو حکم کرده است که نکاح واقع میشود بایجاب و قبول بالفاظیکه صریحاً دلالت بر قصد ازدواج کند و هر گاه یکی از متعاقدین یا هر دو لال باشند انعقاد عقد را با اشاره لازم دانسته است بنحویکه بتواند بطور وضوح حاکی از انشاء باشد (ماده ۱۰۶۳ و ۱۰۶۶ قانون مدنی) .

بدیهی است هنگامی نیز که شخص برای « غیر » و بضرر خود اخبار بحقی می کند اقرارش باید مقرون بلفظ یا فعل یا اشاره ای باشد که دلالت بر « اقرار » نماید در غیر این

(۱) در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است - (ماده ۱۱۴۸ قانون

مدنی ایران) .

- خیار فسخ فوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع بعملت فسخ ، نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط میشود

- هر گاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور

فاقد صفت مقصود بوده - (ماده ۱۳۱۱) برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود (ماده ۱۱۲۸)

- خیار غبن بعد از علم به غبن فوری است - (ماده ۴۳۰) .

- اگر عیب حادث بعد از قبض در نتیجه عیب قدیم باشد مشتری حق رد نیز خواهد داشت (ماده ۴۳۰) .

- خیار تدلیس بعد از علم بآن فوری است (ماده ۴۴۰) .

- خیار عیب بعد از علم بآن فوری است (ماده ۴۳۵) .

- هر یک از متبایعین بعد از عقد فی المجلس و مادام که متفرق نشده اند اختیار فسخ معامله

را دارند - (ماده ۳۹۷) .

- اگر مبیع حیوان باشد مشتری تا سه روز از حین عقد اختیار فسخ دارد - (ماده ۳۹۸)

- اگر مستأجر عین مستأجره را در غیر موردی که در اجاره ذکر شده باشد یا از اوضاع

و احوال استنباط می شود استعمال کند و منع آن ممکن نباشد مگر حق فسخ اجاره را خواهد داشت

(ماده ۴۹۲) .

صورت یعنی هرگاه سکوت اختیار کنند سکوت او دارای آثار «رضا» نیست و در حکم امتناع است بطور کلی در موارد مذکور و در هر موردی که «تعهد» یا «تبدیل» آن جایز باشد و بتراضی طرفین ممکن گردد، سکوت یکطرف بعنوان امتناع از ایجاد تعهد تلقی می شود. این تمایلی است که در قوانین کشورهای دیگر مانند قوانین کشورهای اسپانیا و پرتغال نیز وجود دارد (صفحه ۲۱۲ تعهدات بطور کلی رنه دمو) .

گاهی قانون بمراحت این حکم رایبان داشته است و مجالی برای هیچ بحث و تفسیری نیست. ماده ۲۴۹ قانون مدنی ایران متضمن چنین حکمی است: سکوت مالک ولو با حضور در مجلس، اجازه عقد محسوب نمی شود. درباره زمانی که سکوت نه تنها بمنزله امتناع می باشد بلکه مسوجب ضمان شخصی است که سکوت کرده است، متذکر میشویم که سکوت گاهی بمعنای «ترك فعل» نیز آمده است از جمله ماده ۱۷۱ قانون مدنی ایران که بموجب آن هر کس حیوان ضاله را پیدا نماید باید آن را بمالك آن رد کند و اگر مالک را نشناسد بحاکم یا قائم مقام او تسلیم کند در موارد دیگر، قانون شخص ساکت را بعلت «سکوت» از حق محروم کرده است. ماده ۱۷۲ قانون مدنی از جمله مواد ناظر باین حکم قانونی است که بسبب آن اگر حیوان گمشده در نقاط مسکونه یافت شود و پیداکننده با دسترسی بحاکم یا قائم مقام او آن را تسلیم نکند حق مطالبه مخارج نگهداری آنرا از مالک آن نخواهد داشت. ماده ۲۵۴ قانون مدنی نیز درخور توجه است که میگوید هرگاه کسی نسبت بمال «غیر» معامله نماید و بعد از آن بنحوی از انحاء به معامله کننده فزولی منتقل شود صرف تملك موجب نفوذ معامله سابقه نخواهد بود.

هنوان سو۴: در مواردی که سکوت بعنوان «رضا» (Ratification, Acquisoement, Accepatoin) شناخته شده است: مسئله ای که حقوقدانان طرح کرده اند اینستکه آیا سکوت میتواند جلوه اراده کامل و مثبت باشد (صفحه ۲۹۸ - تعهدات بطور کلی - رنه دمو) .

در حقوق کشورهای خارجی تئوری تقنینی باین بیان که سکوت بعنوان مبین اراده شناخته شود وجود ندارد و این امر ناشی از اینستکه هنوز چنین بحثی از نظر علمای حقوق مورد تحلیل قرار نگرفته است معذالك قوانین جدید مانند قانون سویس و تونس و مراکش - سکوت را بعنوان «قبول» تلقی کرده اند. باوجود این هنوز فهرست کاملی از اینگونه موارد تنظیم نیافته است (صفحه ۲۱۱۴ تعهدات بطور کلی - رنه دمو) .

در قانون ایران در موارد خاصی قانون گزار سکوت را بمنزله «رضا» شناخته است و آثاری را که بر «رضا» بار است بسکوت هموار ساخته است. ماده ۱۱۶۲ قانون مدنی از اینگونه موارد است چه بموجب آن اگر در مدت معین شوهر دعوی نفی و لذرا طرح نکند سکوت او بعنوان قبول انتساب طفل باو شناخته شده است.

ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی ایران حکم مشابهی را در بردارد و سکوت طرفین را بعنوان «رضا» شناخته است. در عقد نکاح هنگامیکه مرضی موجب فسخ نکاح می شود در صورتیکه یکی از طرفین قبل از عقد، عالم بمرض باشد و «سکوت» اختیار کند مانند اینستکه بصراحت و با رضای کامل عقد را پذیرفته است و نیز هرگاه شخص از اختیار فسخی که بجهتی برای او ایجاد

شود آگاهی باید لیکن از آن استفاده نکند بمنزله اینستکه رضایت داده که آن حق اسقاط شود. در عقودی از قبیل « مزارعه » هر گاه شخص ثالثی قبل از آنکه زمین مورد مزارعه تسلیم « عامل » شود آن را غصب کند عامل مختار بفسخ می شود در این مورد چنانچه سکوت کند رضایت بوضع موجود داده است. در اجاره چنین حکمی هنگامی جاریست که مستاجر عین مستاجر را در غیر موردی که در اجاره ذکر شده یا از اوضاع و احوال استنباط می شود استعمال کند و منع آن ممکن نباشد و موجر بوسیله حق فسخ خود، عقد را بهم نزند یا بیعاریت دیگر هر گاه موجر سکوت اختیار کند سکوت وی نازل منزله رضای وی خواهد بود (ماده ۴۹۲ قانون مدنی ایران) .

در قانون مدنی ایران در بعضی عقود اختیارات مخصوصی برای متعاقدین وجود دارد و در بعضی دیگر اختیاراتی مشترك وهم عنوان هست که طرفین می توانند صریحاً سقوط تمام یا بعضی از آنها را در ضمن عقد شرط کنند و اگر « سکوت » نمودند جز این نخواهد بود که بحفظ اختیارات مذکور رضایت داده اند .

در مواردی که عرف و عادت جانشین « سکوت » طرفین می گردد متعارف بودن امری بدون آنکه در عقد بدان تصریح شده باشد بمنزله ذکر در عقد است از اینرو مواردی که عرفاً برای عملی اجرتی در نظر گرفته شده است هر گاه مابین طرفین عقد، اجرت مسکوت عنه بماند شخصی که عمل را انجام داده است مستحق اجرت المثل عمل خود خواهد بود (ماده ۸۴ قانون مدنی ایران) .

نتیجه آنکه در قانون مدنی ایران مواردی وجود دارد که :

- ۱- بنظر قانونگذار سکوت علامت رضا است.
- ۲- گاهی سکوت بمنزله اعراض از حقی است .
- ۳- زمانی سکوت نه تنها علامت رضانیت بلکه بعنوان امتناع شناخته شده است .

گر چه از آتش دل چون خم می در جوشم

مهر بر لب زده ، خون میخورم و خاموشم

« حافظ »